



نذرهای خاص تهرانی‌ها؛ از ظرفشویی تا خرید خروس چهل تاج



شروع می‌شد. شهر حال و هوای دیگری پیدا می‌کرد؛ گویی قرار بود نوروز دوباره از راه برسد. مساجد در ماه رمضان شلوغ‌تر از هر زمان دیگری می‌شد و به همین دلیل مردم طبق نذری هرساله، فرش و زیراندازهای خود را به مسجد می‌آوردند و در حیاط مسجد پهن می‌کردند تا نمازگزاران بتوانند تا پایان ماه مبارک رمضان روی این فرش و قالیچه‌ها نماز بخوانند. مردمی که فرش و قالیچه خود را به مسجد می‌بردند، این کار را نوعی تبرک به شمار می‌آوردند. جارو کردن فرش‌ها و شستن ظرف و قابلمه مخصوص نذری یا استکان‌های چای از نذرهای خاص تهرانی‌ها در ماه مبارک رمضان بود که برخی آن را در طول ماه مبارک رمضان هر روز در مساجد انجام می‌دادند. عبدالرحیمی درباره یکی دیگر از نذرهای خاص توضیح می‌دهد: «نظافت سرویس‌های بهداشتی عمومی مساجد و محله یکی از نذرهای خاص مردم تهران قدیم برای استقبال از ماه مبارک رمضان بود. عده‌ای داوطلبانه و برای ادای نذر خود یا برآورده شدن حاجات، تمیز کردن توالت‌های عمومی و به خصوص مسجد ابر عهده می‌گرفتند.»

در تهران قدیم آداب و رسوم خاص دیگری هم برای ماه رمضان وجود داشت که اکنون تنها خاطره‌ای از آنها باقی مانده است. دارپوش شهیازی، تهران پژوه، می‌گوید: «در سال‌هایی که ساعت زنگ‌دار باب نشده بود، بعضی‌ها نذر می‌کردند تا همسایه‌ها را به روش‌های مختلف برای سحر بیدار کنند. یکی از راه‌ها، کوبیدن در خانه همسایه‌ها بود و راه دیگر که البته منسوخ شده، خریدن خروس بود. آنها وجود خروس را در خانه خوش‌یمن می‌دانستند، به خصوص خروس سفید چهل تاج که نشانه خیر و برکت بود. برخی قبل از شروع ماه مبارک رمضان، خروس سفید چهل تاج می‌خریدند که وقت سحر برایشان بخواند و بیدارشان کند.»

شستن ظروف سفره‌های افطار و سحر از نذری‌های خاص تهرانی‌های قدیم به‌ویژه در اطراف بازار تهران و مولوی بود؛ نذری که همچنان در بسیاری از محله‌های تهران انجام می‌شود. آنها بدون در نظر گرفتن اینکه نذری افطار بر عهده چه کسی بوده، سراغ شستن ظرف و دیگ می‌رفتند. هم‌اکنون عبدالرحیمی که ۱۵ سال است که در حوزه تهران پژوهی فعالیت می‌کند و چندین جلد کتاب درباره آداب و هنر تهران قدیم به رشته تحریر درآورده است، می‌گوید: «نذرهای خاص تهران از سال ۱۳۰۰ به بعد و در زمان قاجار با شور و اشتیاقی وصف‌نشدنی از چند روز مانده به ماه مبارک رمضان

آداب به دار کشیدن ابن ملجم



شب ۲۷ ماه مبارک رمضان در تهران قدیم آداب و رسوم خاص خودش را داشت. از بار گذاشتن کله پاچه تا به دار کشیدن ابن ملجم. آنطور که در منابع تاریخی آمده همزمان با ۱۹ ماه مبارک رمضان و ضربت خوردن حضرت علی (ع)، مراسم احیای شب قدر و عزاداری در طهران برپا می‌شد و تا شب هفتم شهادت مولا علی (ع) ادامه داشت. اما رسم خاصی در شب ۲۷ ماه رمضان انجام می‌شد که به «مرادکشون» یا «ابن ملجم‌کشون» معروف بود.

این مراسم برای ساکنان تهران قدیم اهمیتی ویژه داشت و برای انجام این آیین از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه در این باره می‌گوید: «روزداران در شب قدر هنگام خواندن دعای جوشن کبیر، نخ بلندی در دست می‌گرفتند و با خواندن هر بند از دعا، یک گره به نخ می‌زدند. سپس با جمع کردن نخ‌ها، طنابی درست می‌کردند و با آن، آدمکی را به‌دار می‌کشیدند و سپس آتش می‌زدند. این آدمک، نماد ابن ملجم مرادی، قاتل حضرت علی (ع) بود و مردم با بغض و بیزارگی از او، آدمکش را آتش می‌زدند و سپس در کنار هم افطار می‌کردند. در این شب باید «کله پاچه» طبخ می‌کردند و این مراسم به کله پاچه‌خورون نیز معروف شده بود. در حقیقت، مردم شب ۲۷ ماه مبارک رمضان را شب به‌در واصل شدن ابن ملجم مرادی می‌دانستند و در این شب کنار هم ششادی می‌کردند.» آل عوض درباره رسم زنانه دیگر در این شب می‌گوید: «علاوه بر این در دوره قاجار، برگزاری مراسم تعزیه زنانه در این شب بسیار مرسوم بود. به همین خاطر جامه‌های سرخ‌رنگ بر تن بانوی جوان نازیبایی می‌کردند و او را در نقش قطام معشوقه ابن ملجم می‌آراستند و قاصدی نیز پیاپی از ابن ملجم برای وی پیغام می‌آورد. سرانجام سسر بریده ابن ملجم را که در پارچه‌ای پیچیده بود در برابر وی می‌گذاشتند و حاضران در مجلس به شادی می‌پرداختند. دیگر رسم‌های رایج در این شب برپایی مراسم حنابندان بود. مردم حاجتمند با نیت برآورده شدن حاجات خود نذر می‌کردند تا در این شب میان دیگران حنا پخش کنند و خود نیز حنابندند.»

رسم خوردن کله پاچه و گرفتن حنا هنوز در برخی محله‌های تهران پابرجاست.

کشف سابقه بامیه و بامیه‌پزی



بامیه و زولبیا شیرینی‌های پر طرفدار سفره‌های افطار و پای ثابت مهمانی‌های ماه مبارک رمضان محسوب می‌شوند. در تهران قدیم این شیرینی خوش‌طعم فقط در ماه رمضان و با ظاهری متفاوت‌تر از آنچه امروزه می‌بینیم پخته و به فروش می‌رسید. بامیه و زولبیا مانند امروز در شهید غوطه‌ور نمی‌شد و شیره را در ظرفی جداگانه قرار می‌دادند تا هر کس بنا به ذائقه‌ای که دارد، شیرینی را در شهید بغلتاند و نوش جان کند. شکل زولبیا هم با آنچه امروزه می‌بینیم از نظر اندازه متفاوت بود. در کتاب «مستطاب آشپزی از سیر تا پياز» نوشته مرحوم نجف دریاپندری آمده است: «در تهران تا یکی دو دهه پیش «زولبیا» چیزی بود به اندازه نعلبکی به رنگ زرد روشن که چند تایی از آن را به رنگ عسلی سوخته و کاه‌گلی در می‌آوردند با میله‌هایی که کلفتی «مداد» او در ادامه آورده است: «غالب شدن زولبیای تبریزی بر زولبیای تهرانی امر طبیعی است اما از میان رفتن تنوع زولبیا در تهران مایه خوش‌وقتی نیست.»

اما این شیرینی خوش‌مزه چگونه پایش به تهران باز شد و در سفره افطاری‌ها جا خوش کرد؟ جعفر شهری، در کتاب تهران قدیم، می‌نویسد: «از تحولات دیگر ماه رمضان زولبیا و بامیه و گوش‌فیل و پشمک بود که فقط در همین ماه به بازار می‌آمد. چنانچه مظفرالدین‌شاه نیز گفته بود ماه رمضان هم نمی‌آید، بامیه سیری نوش جان کنیم.» نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، این نقل قول را منتسب به پادشاه قاجار می‌داند و می‌گوید: «این جمله به فتحعلی‌شاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه هم منتسب است. اگر این جمله را مظفرالدین‌شاه گفته باشد، ۱۲۷ سال، اگر به ناصرالدین‌شاه منتسب کنیم ۱۷۰ سال و چنانچه به فتحعلی‌شاه منتسب باشد، از ۲۰۰ سال پیش، بامیه جزو شیرینی‌های ماه رمضان بوده است.»

